

مدیریت، ۱۳۸۳

آثار اجتماعی و روحی بازنشستگی اعضای هیأت علمی: مورد مطالعه در دانشگاه تهران

میثم موسایی*

استادیار دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران

پذیرش: ۸۳/۴/۹

دریافت: ۸۲/۱۱/۴

چکیده


مقاله حاضر آثار اجتماعی، روحی و روانی بازنشستگی در میان اعضای هیأت علمی دانشگاه تهران را بررسی می‌کند. این موضوع به دلیل مسائل خاص بازنشستگان و سالمندان در جوامع مختلف اهمیت بسزایی دارد و مورد توجه اقشار مختلف جامعه نیز است؛ زیرا تا زمانی که وضعیت اقتصادی، اجتماعی، روحی و روانی یک بازنشسته سر و سامان نداشته باشد، کارکنان امروز به دلیل نگرانی از آینده خود با دلگرمی و علاقه فعالیت نخواهند کرد و بهره‌وری آنها به شدت کاهش پیدا می‌کند. در این مقاله از طریق یک مطالعه پیمایشی، وضعیت بازنشستگی اعضای هیأت علمی دانشگاه تهران و آثار و عواقب بازنشستگی این قشر بررسی می‌شود. بر اساس یافته‌های این تحقیق اعضای هیأت علمی بازنشسته علاوه بر مشکلات معیشتی و اجتماعی دارای مشکلات متعدد روحی و روانی از جمله: افسردگی، نگرانی از آینده، احساس پوچی و بی‌مصرفی می‌باشند. برای کاهش این مشکلات، براساس یافته‌های تحقیق پیشنهاد «بازنشستگی تدریجی» به جای «بازنشستگی یکباره» ارائه شده است.

کلید واژه‌ها: بازنشستگی، سالمندان، مشکلات روحی، مشکلات اجتماعی، بازنشستگی تدریجی.

۱- مقدمه

همچنان که کار، بخشی از زندگی انسان را تشکیل می‌دهد، بازنشستگی نیز مرحله‌ای از

* E-mail: mousaei1967@yahoo.com

 **مینگ موسایی** _____ **آثار اجتماعی**
و روحی بازنشستگی اعضای هیأت علمی: ...

زندگی انسان است. همان‌طور که برای بهبود زندگی شغلی کارکنان، مطالعه و تحقیق می‌شود، برای مراحل بعد از کار نیز باید فکر شود تا بازنشستگی به عنوان لحظات بحرانی زندگی محسوب نشده و باعث عدم تعادل در زندگی بازنشسته نگردد.

آموزش و پرورش و انسان‌سازی چه در زمینه‌های تخصصی و فنی و چه علمی و تحقیقاتی، چه در علوم تجربی و چه انسانی، در هر جامعه‌ای در گرو تلاشهای معلمان و اساتید است. این قشر عالم و فرهیخته همچون دیگر اقشار، پس از عمری خدمت به جامعه علمی بازنشسته می‌شوند، بازنشسته رسمی از ارگانهای رسمی علمی؛ اما آیا به مرور زمان، دانش و علم یک استاد مانند نیروی بدنی یک کارگر تحلیل می‌رود و آیا بازنشستگی برای یک عالم و دانشمند معنا دارد؟ بازنشستگی این فرهیختگان چه عواقبی را برای خود، خانواده و جامعه از نظر روحی، روانی، اقتصادی و اجتماعی در پی دارد و کار بی‌وقفه و بدون تعطیلی برای آنها چه نتایجی را خواهد داشت؟

از آنجایی که بر اساس مشاهدات اولیه به نظر می‌رسد، بازنشستگی باعث ایجاد شوک روحی و روانی و بروز تبعات ناگوار اجتماعی، اقتصادی و روحی زیادی برای عضو هیأت علمی می‌شود، مطالعه آن درخور تأمل است. مخصوصاً ضرورت پرداختن به مسأله مذکور وقتی بیشتر روشن می‌شود که مشاهده شود فرد بازنشسته برای پاسخگویی به مشکلات مالی و برای دوری از بیکاری [در این سن] به دنبال مشاغل متفرقه است. به این وسیله ضروری است که به صورت همه جانبه مسائل و مشکلات ناشی از بازنشستگی این قشر بررسی می‌شود.

به هر حال با بررسی این سؤالات و فرضیه‌ها شاید بتوان از طریق یک تحقیق تئوریک و پیمایشی به آثار واقعی پی‌برد و در جهت اصلاح قوانین، طرز تفکرها و شیوه‌های رفتاری در جامعه، پیشنهادهای در جهت کاهش آثار منفی بازنشستگی این قشر مطرح کرد.

۲- پیشینه تحقیق

متأسفانه علی‌رغم مطالعه و تحقیقاتی که در زمینه بازنشستگی به طور اعم در داخل و خارج صورت گرفته و با توجه به تحقیقات معدودی که درباره وضعیت افراد بازنشسته در داخل کشور انجام شده است، هیچ‌گونه پژوهش جامع و قابل توجهی درباره وضعیت اعضای هیأت علمی بازنشسته صورت نگرفته است شاید تنها تحقیقی که مستقیماً به اعضای هیأت علمی

مربوط است، پایان نامه آقای علی صفرعلی در مقطع کارشناسی ارشد دانشکده مدیریت دانشگاه تهران باشد که تحت عنوان «طرح ایجاد بیمه های تکمیلی بازنشستگی برای اعضای هیأت علمی دانشگاه های سراسر کشور» در سال ۱۳۷۴ ه. ش. انجام شده است. در تحقیق مذکور مشخص شده است که با توجه به میزان حق بیمه بازنشستگی پرداختی، حقوق قابل دریافت در دوران بازنشستگی افراد از حقوق دوران اشتغال کمتر است که این مسأله موجب ایجاد احساس ناامنی در اینگونه افراد می شود [۱، صص ۱۰ - ۲۰].

سایر کارهای صورت گرفته مستقیماً مربوط به وضعیت بازنشستگان اعضای هیأت علمی در ایران نمی شود که به برخی از آنها اشاره می شود. برخی از آثار منتشر شده صرفاً به مسائل تئوریک بازنشستگی پرداخته اند و تئوریهای را برای انطباق وضعیت سالمندان با دوران بازنشستگی مطرح کرده اند از جمله تئوریهای مطرح شده، عبارتند از: تئوری نقش و ایفا^۱ تئوری رهایی از قیود یا فراغت^۲، تئوری فعالیت و کار، تئوری مداومت و اتصال و تئوری بحران^۳ [۲، صص ۶۷ و ۷۲]. برخی از جامعه شناسان مانند: الکس اینکلس و کیکالر آسایی (۱۹۸۹) به استناد بسیاری از اطلاعات بین فرهنگی معتقدند نگرش افراد درباره کار و ارزشی که آنها برای کار قائلند، نقش تعیین کننده ای در وضعیت اشتغال افراد مسن و تعیین سن بازنشستگی در کشورهای مختلف دارد [۳، ص ۲].

برخی از محققان مشکلات روحی و بیماریهای جسمی گوناگونی از جمله افسردگی را به عنوان عوارض بازنشستگی مطرح کرده اند. از این جمله است مقاله اکبر باقریان که جنبه های عاطفی و اجتماعی بازنشستگان را به عنوان مشکلات اساسی بازنشستگان برشمرده است. [۳، ص ۱۳].

نگارنده در مقاله دیگری تحت عنوان مشکلات اجتماعی - اقتصادی اعضای هیأت علمی بازنشسته دانشگاه تهران، با بررسی وضعیت معیشتی اعضای هیأت علمی بازنشسته دانشگاه تهران به این نتیجه رسید که برای جبران کاهش قدرت خرید این افراد در طول دو دهه اخیر باید دریافتی آنان حداقل دو و نیم برابر افزایش یابد [۵، ص ۱]. غفاری مرند به تأثیر نگرش خانواده بر کیفیت بازنشستگی پرداخته است [۶، ص ۱].

تأثیر فشار روانی و حمایت اجتماعی در افسردگی سالمندان از دیگر موضوعاتی است که بررسی شده است [۷، صص ۷ و ۱۱]. ایرج سلطانی و عباس روحانی در مقاله ای راهکارهای

1. role theory
2. disengagement theory
3. crisis theory

غنی‌سازی فرایند روانی و اجتماعی بازنشستگی را مطرح کرده و راهکارهایی از جمله توسعه اوقات فراغت، ارتقای بهداشت روانی، تقویت روابط بین افراد خانواده و توجه به تغییرات روحی و روش زندگی بازنشستگان را ارائه کرده‌اند [۸، ص ۴۱].

یکی دیگر از کارهای انجام شده پایان‌نامه آقای حمیدرضا کریمی تحت عنوان «بررسی مشکلات فرهنگی بازنشسته استان مرکزی» است که در سال ۱۳۷۵ صورت گرفته است. براساس تحقیق مذکور مشکلات اصلی افراد بازنشسته مسائل معیشتی و نداشتن تأمین کافی است [۸، ص ۳].

در مطالعات مربوط به تأثیر وضعیت بازنشستگی بر رفتار سازمانی ثابت شده است که وضعیت زندگی بازنشستگان تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر رفتارهای سازمانی و داشتن تعهد کاری در حین خدمت دارد (برون، رابرت؛ گلبن، اونسوچ و دانلی؛ سنترک، جان؛ اسکالر، بندل و ندیون؛ ویچو رابرت، [۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳].

محمدتقی شیخی در مقاله‌ای تحت عنوان «پدیده روبه رشد سالمندی در آسیا» از دیدگاه جامعه‌شناسی به روند رشد سالمندی در کشورهای آسیایی پرداخته و نتیجه‌گیری کرده است که کاهش باروری و کاهش نرخ مرگ و میر نقش عمده‌ای در سالمندی جمعیت ایفا کرده است [۱۴، ص ۱۳].

سید احمد حسینی کازرونی در یک مطالعه عملکرد اقتصادی صندوقهای بازنشستگی را در ایران به نقد کشید. او به این نتیجه رسید که نظام تأمین اجتماعی در کشور ما به دلیل کارکرد پراکنده آن از سوی سازمانها، نهادها و مؤسسات زیربند از جامعیت لازم بهره‌مند نبوده و مجموعه‌ای ناهماهنگ و ناموزون را به وجود آورده است [۸۸-۹۳].

برخی از آثار منتشر شده به آثار برنامه‌های بازنشستگی بر صندوقهای بازنشستگی، اشتغال و توسعه اجتماعی اشاره دارند و راه جبران کمبود مشکلات مالی صندوقهای بازنشستگی را اخذ بخشی از مالیات پرداختی کارکنان به این صندوقها می‌دانند [۱۶، ص ۸۴]. انصار عابدینی در مقاله‌ای وضعیت رفاهی و فرهنگی بازنشستگان را در برنامه سوم توسعه کشور بررسی کرد. او معتقد است که اگرچه برنامه سوم توسعه، چشم‌انداز به ظاهر زیبایی داشته، اما در عمل مشکلات کارمندان بویژه بازنشستگان را کاهش نداده است [۱۷].

1. Brown, Robert, A Greenbery
2. Gilbson, Ivancevich and Donnely
3. Santrock, john
4. Schuler, Bendall and Vandeven
5. Vechio, Robert

اصغرافتخاری در تحقیقی، روشهای بهره‌گیری از دانش و تجربه بازنشستگان در سازمانهای اجرایی کشور را مطرح کرده که البته هیچکدام تازگی ندارد [۱۸، ص ۱۱۸].

فریده شریفی، بکارگیری منابع مربوط به صندوق بازنشستگی را به عنوان راهحلی برای خروج از مشکلات معیشتی بازنشستگان ارائه کرده است [۱۹، ص ۱۴۶]. خانم شهلا الوی محصل، در تحقیق خود تنگناها و دشواریهای معیشتی بازنشستگان را در یک مطالعه پیمایشی مطالعه کرده و نتیجه گرفته است که وضع بازنشستگان در سالهای اخیر از لحاظ درآمد، اوقات فراغت، درمان، تغذیه و مسکن بدتر شده است. [۲، ص ۴۲]. صفاری دلایل اصلی مشکلات صندوقهای بازنشستگی کشور را در بازنشستگی زودرس می‌داند و معتقد است باید به سمت استقلال مالی صندوقهای بازنشستگی حرکت کرد [۲۱، ص ۵۷].

شجاع‌الدین طایفه مشکلات مادی و اقتصادی بازنشستگان را بررسی کرده و تقبل کامل هزینه‌های درمان به وسیله دولت، پرداخت وام، معافیت از پرداخت بهای آب، برق و سوخت را از جمله راهکارهای ضروری برای حل مشکلات مادی آنها برشمرده است [۲۲، ص ۱۰۲]. دکتر آناه محمد دوگونچی اصلاح و بهسازی خدمت درمانی را در یک ایده اولیه مطرح کرده است [۲۳، ص ۱۰۷] و آقای محمود رخ‌بخش زمین، عوارض ناشی از سن بازنشستگی معلمان را مطرح کرده و افزایش اضطراب ناشی از جدایی کار را مهمترین عارضه بازنشستگی می‌داند [۲۴، ص ۱۶۷]. هادیان کاهش عزت نفس بازنشستگان آموزش و پرورش را یکی از آثار بازنشستگی به شکل فعلی می‌داند و کار نیمه وقت را به عنوان راه حلی برای افزایش عزت نفس پیشنهاد کرده است [۲۵، ص ۱۸۹].

گلشنی، وضعیت اقتصادی بازنشستگان را نامناسب دانسته و ایجاد یک معاونت در وزارتخانه‌ها تحت عنوان معاونت امور بازنشستگان را راهحل آن دانسته است [۲۶، ص ۷۴]. فیروز وضعیت اقتصادی اجتماعی بازنشستگان گمرگ جمهوری اسلامی را در سال ۱۳۷۹ بررسی کرده و نتیجه‌گیری کرده که بیش از ۹ درصد کمتر از ۶۵ هزار تومان در ماه حقوق دریافت می‌کنند [۲۷، ص ۸۳].

همان‌طوری که ملاحظه شد تحقیقات صورت گرفته به جز یک مورد، به طور مستقیم به موضوع خاص بازنشستگی اعضای هیأت علمی مربوط نمی‌شوند. در مقاله حاضر که برگرفته از یک کار تحقیقی در این زمینه است، مسأله اصلی آن یافتن پاسخی برای این سؤال

است که بازنشستگی اعضای هیأت علمی چه آثار مخربی بر زندگی فرد بازنشسته دارد؟ و این آثار چه ارتباطی با ویژگیهای فردی فرد بازنشسته دارد؟

۳- چارچوب نظری

پیری، هنگامی که صرفاً بر حسب سال اندازه‌گیری شود، به همان اندازه کودکی ساخته دورهٔ امروزی است. در زمان گذشته، پیر شدن بیشتر با تغییر شکل ظاهری و تواناییهای جسمی تشخیص داده می‌شد نه با سن زمانی - که در هر صورت عموماً نامعلوم بود. پیری، امروزه یک تعریف قانونی دارد؛ یعنی به سنی اطلاق می‌شود که در آن اکثر مردم از کار بازنشسته می‌شوند و از انواع خاصی از مزایای رفاهی، مانند حقوق بازنشستگی، برخوردار می‌گردند [۲۸، صص ۶۴۴-۶۴۵].

۳-۱- بازنشستگی

بازنشستگی، شروع دوران جدیدی از زندگی است. اشتراپ و همکارانش طی مطالعات خود دریافتند که افراد بازنشسته به آن شکل که تصور می‌شود بی‌اثر و بی‌نقش نیستند؛ زیرا بسیاری از آنها، فعالیتها و نقشهایی را که قبل از بازنشستگی داشته‌اند، ادامه می‌دهند و در برخی مواقع نقشهای جدیدتری را می‌پذیرند، فعالیتهای تازه‌ای را فرا می‌گیرند و رفتارهای نوینی بروز می‌دهند. به هر حال می‌توان ادعان داشت که بازنشستگی به طور ضمنی به معنای نافع‌الی و بی‌حرکی نیست، بلکه خود نوع متفاوت و خاصی از فعالیت است [۳، ص ۲]. سن تعیین شده برای بازنشستگی و شرایط لازم برای دریافت مزایای رفاهی در میان کشورهای مختلف و حتی در داخل یک کشور، بسیار متفاوت است. تنها نیم قرن پیش در انگلستان، شرط بازنشستگی از کار، عدم سلامت یا ضعف تواناییهای جسمانی بود و در اواخر دهه ۱۹۲۰ م. بیش از نیمی از مجموعه مردان بالای شصت و پنج سال در اشتغال مزدگیری بودند. شگفت‌آور این است که این وضعیت در برخی حوزه‌های مسئولیت اجتماعی هنوز وجود دارد: شخصیت‌های برجسته در حوزهٔ سیاست، حقوق، هنر و معدودی حوزه‌های دیگر، اغلب تا مراحل سنی پیشرفته‌ای همچنان به کار خود ادامه می‌دهند. در بریتانیای امروز، سن بازنشستگی اجباری برای اکثر مردان شصت و پنج است، حال آنکه سن بازنشستگی برای زنان شصت سال است (به رغم این واقعیت که زنان معمولاً چندین سال بیشتر از

مردان عمر می‌کنند). در آمریکا سن ثابت بازنشستگی کارکنان را کاهش داده‌اند. بعضی از کشورهای اروپایی، کارکنان بخشهای دولتی و صنعتی را مجبور می‌کنند تا در شصت سالگی بازنشسته شوند، اگرچه این اجبار بیشتر در مورد کارگران زن اعمال می‌شود نه مردان. اما بسیاری از کشورها اکنون با تکیه بر قوانین مربوط به حقوق برابر زن و مرد این شیوه را غیرقانونی اعلام کرده‌اند [۲۸، صص ۶۴۴-۶۴۵].

بازنشستگی برای افراد و غالباً برای خانواده‌ها نیز مسائل و مشکلات اجتماعی، اقتصادی و روانی ایجاد می‌کند و حتی برای افراد که وقت آزاد تازه یافته خود را به عنوان یک وضعیت تلقی می‌کنند، دوره انتقالی بسیار مهمی است [۲۹]. بازنشستگی عملاً همیشه متضمن از دست دادن درآمد است. به طور کل، درآمد متوسط خانواده‌هایی که دست کم یکی از اعضای آنها شصت و پنج سال یا بیشتر دارد، تنها اندکی بالاتر از نصف دستمزد متوسط در انگلستان است. بدیهی است در بین افراد بالاتر از شصت و پنج سال اختلاف درآمد زیادی وجود دارد.

پیامدهای اجتماعی و روانی بازنشستگی برطبق تجربه شغلی و سطح زندگی قبلی فرق می‌کند. در جامعه‌ای که کار در آن دارای ارزش اساسی است، بازنشستگی اغلب به معنای از دست دادن منزلت است و نبود کارهای جاری که ممکن است زندگی یک فرد را برای مدتی حدود نیم قرن شکل داده باشد، خلأیی ایجاد می‌کند که پر کردن آن دشوار است؛ همچنین به علت آهنگ سریع دگرگونیهای تکنولوژی و تغییرات دیگر، دانش و مهارتهایی که در طول عمر کسب می‌شود، دیگر احترام جوانان را آنگونه که در بیشتر فرهنگهای سنتی دیده می‌شود، برنمی‌انگیزد.

سالخوردگی اغلب، زمان از دست دادن روابط است، بازنشستگی نه تنها به معنای از دست دادن شغل بلکه به مفهوم از دست دادن تماس با دیگران در محل کار نیز می‌باشد. فرزندان معمولاً برای خودشان خانه و زندگی مستقلی تشکیل داده‌اند و با مرگ خویشاوندان و دوستان، روابط آنها نیز از دست رفته است و یا به علت وجود فاصله مکانی، برقرار کردن ارتباط مشکل است؛ زیرا افراد مسن‌تر معمولاً کمتر از جوانان سفر می‌کنند [۳۰، ص ۷۴]. نسبت زنان شصت و پنج ساله یا بیشتر در انگلستان که به تنهایی زندگی می‌کنند، به طور قابل ملاحظه‌ای بیشتر از نسبت زنان تنها در گروه سنی چهل و پنج ساله است (۳۲ درصد در مقایسه با ۱۵ درصد، در ۱۹۸۵). اما نسبت مردان شصت و پنج ساله یا بیشتر که تنها زندگی

می‌کنند، عملاً اندکی کمتر (۸ درصد) از مردان تنها در گروه سنی چهل و پنج تا شصت و پنج ساله (۹ درصد) است. ترس از خشونت تأثیر نیرومندی بر سالمندان برجای می‌گذارد و ممکن است فعالیتهای آنها را بویژه در نواحی شهری محدود کند. وضعیت اجتماعی زنان مسن معمولاً دشوارتر از وضعیت مردان است [۲۸، ص ۶۴۵].

۳-۲- آثار فیزیکی سالخوردگی

پیری را نمی‌توان به خودی خود با عدم سلامت یا ناتوانی یکسان دانست، اگرچه بالا رفتن سن معمولاً مشکلات سلامتی بیشتری را به همراه می‌آورد. تنها در طی بیست و چند سال گذشته، زیست‌شناسان کوششهای منظمی را برای تشخیص و تمیز آثار فیزیکی سالخوردگی از ویژگیهای مرتبط با بیماری به عمل آورده‌اند. اینکه دقیقاً تا چه اندازه بدن به‌طور اجتناب‌ناپذیری با بالا رفتن سن فرسوده می‌شود؛ موضوعی قابل بحث است. همچنین جداکردن زیانهای اجتماعی و اقتصادی از آثار فرسودگی جسمانی به خودی خود دشوار است. از دست‌دادن خویشاوندان و دوستان، جدایی از فرزندان در مواردی که به جای دیگری رفته‌اند و از دست دادن شغل، همه می‌تواند زیان فیزیکی زیادی بر شخص وارد کند. در حالی که بسیاری از افراد بالای شصت و پنج سال ادعا می‌کنند که تقریباً از سلامت کامل برخوردارند، نسبت زیادی از آنان در این گروه سنی طی یک بررسی در آمریکا «ناخوشی» و «مراقبت پزشکی ناکافی» را به عنوان جدی‌ترین مشکلات خود گزارش کرده‌اند [۳۱].

۴- فرضیه‌های تحقیق


فرضیه‌هایی که در این مطالعه آزمون شده‌اند عبارتند از:

- ۱- پیامدهای منفی اجتماعی، اقتصادی و روحی بازنشستگی بین بازنشستگانی که درآمد جانبی داشته‌اند، کمتر است.
- ۲- پیامدهای منفی ناشی از بازنشستگی افراد بازنشسته عضو هیأت علمی، معلول گردیدن آنها از محیط کاری و فعالیت گذشته است که معمولاً بلافاصله پس از سن بازنشستگی بیماریهای مختلف به سراغ آنها می‌آید.
- ۳- پیامدهای منفی بازنشستگی نزد کسانی که در زمان فعالیت حقوق بالایی داشته‌اند، بیشتر بوده است.

- ۴- پیامدهای منفی بازنشستگی نزد بازنشستگان مرد بیشتر است.
- ۵- پیامدهای منفی بازنشستگی نزد بازنشستگان مجرد بیشتر است.
- ۶- پیامدهای منفی بازنشستگانی که تحقیقات بیشتری داشته‌اند، جدی‌تر است.
- ۷- پیامدهای منفی بازنشستگی در آغاز بازنشستگی بیشتر است.
- ۸- پیامدهای منفی بازنشستگی بین بازنشستگان با مراتب علمی بالاتر بیشتر است.

۵- روش تحقیق

جامعه مورد بررسی ما در این مطالعه اعضای هیأت علمی بازنشسته دانشگاه تهران که در قید حیات هستند، می‌باشد، برای انجام این مطالعه بر اساس آمار و اطلاعات اداره کارگزینی دانشگاه تهران در سال مورد بررسی [۱۳۸۰]، حدود ۳۰۰ نفر از اعضای هیأت علمی بازنشسته دانشگاه تهران که در قید حیات بوده‌اند، می‌باشد. برای جمع‌آوری اطلاعات، ابتدا بر اساس مطالعات نظری پرسشنامه‌ای تنظیم شد و برای تکمیل به آدرس تمامی آنان ارسال شد، آنها تقریباً ۱۵ درصد آن پرسشنامه را تکمیل کرده و باز گرداندند. برای پر کردن باقی پرسشنامه‌ها نیز به آدرس آنان مراجعه شد و به صورت حضوری به سؤالات پرسشنامه پاسخ داده شد. از کل بازنشستگان مطالعه شده در حدود ۲۰ درصد آنان به خارج از کشور یا شهری غیر از تهران مهاجرت کرده بودند و همین تعداد نیز به هیچ وجه حاضر به پاسخگویی نشدند و اظهار نارضایتی از برخوردهای نامناسب اداری دانشگاه کردند. آنها انجام اینگونه تحقیقات را امری بیهوده تلقی می‌کردند. لذا در مجموع اطلاعات استخراج شده در این تحقیق حاصل پاسخهای ۱۶۳ نفر از بازنشستگان است که با توجه به حجم ۳۰۰ نفری جامعه مورد بررسی با احتمال بالای ۹۰ درصد نتایج آن قابل تعمیم به جامعه اصلی است. برای شناخت عمیقتر مشکلات بازنشستگان با ۲۰ نفر نیز مصاحبه رو در رو انجام شد. از آنجا که تمامی افراد بازنشسته در این تحقیق مورد مطالعه واقع نشده و تعداد ۱۶۳ نفر از آنها به سؤالات پاسخ داده‌اند، در نتیجه آزمونهایی برای کشف روابط معناداری بین متغیرها نیز صورت گرفت. البته نمی‌توان صرفاً به نتایج آزمونها اعتماد کرد؛ زیرا نمونه بررسی شده، نمونه کاملاً تصادفی نیست، بنابراین نتایج این مطالعه قطعاً درباره اکثریت اعضای هیأت علمی بازنشسته صادق است و چون کسانی که حاضر به همکاری نشده‌اند، احتمالاً وضعیت مطلوبتری نداشته‌اند، لذا در کل مشکلات اقتصادی، اجتماعی و روحی افراد

میثم موسایی  و روحی بازنشستگی اعضای هیأت علمی: ... آثار اجتماعی

بازنشسته جامعه مورد بررسی قطعاً بیشتر از آن چیزی است که در این مقاله آمده است. در نهایت نتایجی را باید به جامعه نمونه مورد بررسی تعمیم داد و فرضیه‌ها را نیز بر اساس همان اجتماع ۱۶۳ نفری آزمون کرد. البته برای به دست آوردن اطلاعات بیشتر با تعدادی از اساتید بازنشسته به طور حضوری مصاحبه شد که نتایج آن در بخش نتیجه‌گیری آورده شده است.

۶- یافته‌های تحقیق

مهمترین یافته‌های این تحقیق را می‌توان بر اساس جدولهای ۱ تا ۱۱ به صورت خلاصه مطرح کرد:

جدول ۱ مشکلات روحی اعضای هیأت علمی بازنشسته دانشگاه تهران (درصد)

مشکلات روحی	اصلاً	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد و خیلی زیاد
اشکال در روابط خانوادگی	۳۱/۷	۱۲/۲	۳۴/۱	۱۷/۱	۴/۹
نگرانی از آینده	۳۱/۷	۹/۸	۱۹/۵	۹/۸	۲۹/۳
انزوای طلبی	۵۳/۷	۴/۹	۲۴/۴	۲/۴	۱۴/۷
احساس ناامیدی	۴۸/۸	۱۲/۲	۲۲	۴/۹	۱۲/۲
احساس بی‌مصرفی	۵۸/۵	۴/۹	۲۹/۳	۰	۷/۳

جدول ۲ مشکلات روحی جامعه مطالعه شده

مشکلات روحی	اصلاً	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد و خیلی زیاد
اشکال در خواب	۳۲	۲۴/۴	۲۴/۴	۱۷/۱	۱۲/۲
احساس تنهایی	۳۹	۱۷/۱	۲۲	۷/۳	۷/۳
ضعف حافظه	۱۴/۶	۳۱/۷	۳۴/۱	۱۴/۶	۴/۸
اشکال در روابط جمعی	۴۶/۳	۱۴/۶	۲۹/۳	۲/۴	۷/۳
دردهای جسمانی	۲۲	۲۲	۲۲	۴	۹/۷
احساس حقارت	۷۰/۷	۷/۳	۱۷/۱	۲/۴	۲/۴

۴/۹	۱۲/۲	۲۹/۳	۹/۸	۴۳/۹	عدم تحمل انتقاد و زودرنجی
۹/۸	۱۲/۲	۲۶/۸	۱۹/۵	۳۶/۱	عدم تمرکز

جدول ۳ توزیع جامعه بررسی شده بر حسب اشتغال و عدم اشتغال بعد از بازنشستگی

درصد	اشتغال به کار بعد از بازنشستگی
۷۳/۲	دارد
۲۶/۸	ندارد
۱۰۰	جمع

جدول ۴ توزیع جامعه بر حسب میزان اشتغال به ساعت در هفته

درصد	میزان اشتغال در هفته
۵۱/۲	تا ۱۰ ساعت
۱۴/۶	۱۱ تا ۲۰ ساعت
۱۷/۱	۲۱ تا ۳۰ ساعت
۱۷/۱	۳۱ ساعت و بیشتر
۱۰۰	جمع

جدول ۵ توزیع جامعه بر حسب تأمین مخارج به وسیله دیگران

درصد	تأمین مخارج به وسیله افراد دیگر
۲۹/۳	می شود
۷۰/۷	نمی شود
۱۰۰	جمع

جدول ۶ توزیع جامعه بر حسب وضعیت منزل مسکونی

درصد	نوع مالکیت
۷۵/۶	شخصی
۴/۹	استیجاری

۱۹/۵	سایر
۱۰۰	جمع

جدول ۷ توزیع جامعه بر حسب چگونگی رفتار خانواده و همکاران پس از بازنشستگی

نوع برخورد	رفتار خانواده	رفتار همکاران
با احترام	۶۲/۵	۶۶/۵
بی‌اعتنا	۳۷/۵	۳۴/۵
جمع	۱۰۰	۱۰۰

جدول ۸ توزیع جامعه بر حسب استفاده از تورهای تفریحی، زیارتی و اسکان

درصد	استفاده از تورهای تفریحی، زیارتی و اسکان
۲/۴	استفاده می‌کند
۹۷/۶	استفاده نمی‌کند
۱۰۰	جمع

جدول ۹ توزیع جامعه بر حسب هزینه‌های ماهانه

درصد	هزینه
۲۴/۴	کمتر از ۱۰۰ هزار تومان
۱۷/۱	۱۰۰ تا ۲۰۱ هزار تومان
۹/۵	۲۰۱ تا ۳۰۰ هزار تومان
۳۹	۳۰۱ هزار تومان و بیشتر

جدول ۱۰ توزیع جامعه مطالعه شده بر حسب مستمری بازنشستگی

درصد	میزان دریافتی مستمری
۶۳/۴	تا ۱۲۰ هزار تومان
۳۷/۶	از ۱۲۰ تا ۲۲۰

۱۰۰	جمع
-----	-----

جدول ۱۱ توزیع جامعه مطالعه شده بر حسب درآمد شغل دوم

درصد	میزان حقوق ماهانه شکل دوم
۵۸/۵	تا ۱۲۰ هزار تومان
۲۹/۳	۱۲۰ تا ۲۲۰ هزار تومان
۱۲/۲	بیشتر از ۲۲۰ هزار تومان
۱۰۰	جمع

- متغیر وجود اشکال در روابط جمعی با دو متغیر جنس و وضعیت تأهل رابطه دارد. مردان پس از بازنشستگی کمتر در روابط اجتماعی خود با مشکل روبه‌رو می‌شوند تا زنان. همچنین افراد متأهل کمتر از افراد مجرد دارای اشکال در روابط جمعی می‌باشند.

- متغیر نگرانی از آینده با متغیر ساعتهای اشتغال در هفته رابطه دارد. با بیشتر شدن ساعتهای اشتغال در هفته، نگرانی از آینده کمتر می‌شود، اما این متغیر با سایر ویژگیهای فردی، اجتماعی و اقتصادی رابطه ندارد. اگر نخواهیم نتایج را به جامعه اصلی تعمیم دهیم و جامعه بررسی شده ملاک باشد، در این صورت باید گفت میزان نگرانی از آینده در میان زنان بیشتر از مردان (برخلاف فرضیه) و در گروه سنی ۷۰ سال و بیشتر از ۸۰ (تأیید فرضیه) و در افراد مجرد بیشتر از افراد متأهل (تأیید فرضیه) و در بین اساتیدی که دارای رتبه علمی کمتر می‌باشند، بیشتر از بقیه است (برخلاف فرضیه تحقیق) و کسانی که حقوق بیشتری دارند، کمتر از بقیه نگران آینده می‌باشند (تأیید فرضیه) و کسانی که ساعتهای بیشتری از هفته را به کار پس از بازنشستگی اشتغال دارند، دارای نگرانی کمتری هستند (تأیید فرضیه) آنهایی که درآمدهای آنها بیشتر است، نگرانی کمتری دارند.

- بین متغیر اشکال در خواب با متغیرهای جنس، سن، وضعیت تأهل، تعداد افراد تحت تکفل، مرتبه علمی، سطح تحصیلات، سن بازنشستگی، سابقه خدمت، میزان آخرین حقوق دریافتی، تأمین مخارج به‌وسیله دیگر افراد خانواده، ساعتهای اشتغال، میزان حقوق بازنشستگی، ساعتهای اشتغال به کار در هفته، میزان درآمد ماهیانه شغل دوم، شاخص هزینه‌ها، نوع مالکیت هیچ ارتباط معناداری وجود ندارد، یعنی هیچ‌یک از ویژگیهای فردی، اجتماعی و



اقتصادی فوق از تنها عوامل اشکال در خواب و میزان و اندازه آن نیستند و این اختلال در اثر عوامل دیگری ایجاد می‌شود.

- متغیر دردهای جسمانی با متغیر جنس و متغیر تأمین مخارج به‌وسیله دیگر افراد خانواده می‌تواند رابطه معناداری داشته باشد؛ همچنین می‌توان در مورد متغیر جنس با ۹۴ درصد اطمینان این قضیه را تأیید کرد؛ یعنی زنان به نسبت مردان بیشتر دچار دردهای جسمانی نمی‌شوند و در مورد متغیر تأمین مخارج به‌وسیله دیگر افراد خانواده با ۹۳ درصد اطمینان [P > ۰.۰۵] می‌توان حکم داد که بازنشسته‌هایی که مخارج آنها به‌وسیله دیگر افراد خانواده تأمین می‌شود، کمتر عنوان نموده‌اند که دچار دردهای جسمانی می‌باشند.

- بین متغیر احساس بی‌مصرفی با سایر متغیرها که شامل ویژگیهای فردی، اجتماعی و اقتصادی است، هیچ وابستگی وجود ندارد. این ویژگیها شامل: نوع جنس، میزان سن، وضعیت تأهل، تعداد افراد تحت تکفل، مرتبه علمی، سطح تحصیلات، سن بازنشستگی، سابقه خدمت، علت اشتغال به کار در هفته، میزان درآمد ماهیانه شغل دوم، تأمین مخارج به‌وسیله دیگران و شاخص هزینه‌ها است؛ همچنین میزان اندازه احساس بی‌مصرفی در فرد وجود ندارد. تنها نوع مالکیت منزل مسکونی است که با این احساس بی‌مصرفی دارند و افراد مستأجر بیشتر احساس بی‌مصرفی دارند و آزمون χ^2 نشان می‌دهد که $P < ۰.۰۵$ است و بین این دو متغیر نسبت معناداری وجود دارد.

- مطالعه رابطه بین ویژگیهای فردی، اجتماعی و اقتصادی با میزان احساس تنهایی در فرد بازنشسته عضو هیأت علمی مورد بررسی بر اساس آزمون کای اسکویئر نشان می‌دهد که هیچ یک از ویژگیهای فردی، اجتماعی و اقتصادی افراد همچون وضعیت تأهل، نوع جنس، میزان سن، تعداد افراد تحت تکفل، مرتبه علمی، سطح تحصیلات، سن بازنشستگی، سابقه خدمت، میزان آخرین حقوق دریافتی، میزان حقوق بازنشستگی، ساعات اشتغال به کار در هفته، میزان درآمد ماهیانه شغل دوم، وجود یا عدم وجود تأمین مخارج خانواده به‌وسیله دیگران، نوع مالکیت مسکونی و شاخص هزینه‌ها باعث احساس تنهایی در فرد و کمی یا زیادی این احساس نمی‌شود و وجود چنین احساسی در شخص شامل علل دیگری همچون ارتباطات و اختلافات خانوادگی است که از نظر روحی و روانی بر شخص تأثیر می‌گذارد.

- مطالعه رابطه بین ویژگیهای فردی، اجتماعی و اقتصادی افراد مورد مطالعه را با میزان اشکال در روابط خانوادگی (پس از بازنشستگی) بر اساس نتیجه آزمون کای اسکویئر در مورد این متغیرها نشان می‌دهد که رابطه‌ای بین جنس، سن، وضع تأهل، تعداد افراد تحت

تکفل فرد، مرتبه علمی و سطح تحصیلات او، سن بازنشستگی و میزان سابقه خدمت، میزان آخرین حقوق دریافتی، میزان حقوق بازنشستگی، تعداد ساعتهای اشتغال در هفته، میزان درآمد ماهیانه شغل دوم، وجود یا عدم وجود تأمین مخارج به وسیله دیگران، شاخص هزینه‌ها و نوع مالکیت منزل و میزان اشکال به وجود آمده در روابط خانوادگی (پس از بازنشستگی) وجود ندارد و اگر اشکالی نیز در این مورد وجود دارد به عوامل دیگر چون ارتباطات خانوادگی و شرایط خاص خانوادگی بستگی دارد و نمی‌توان با ۹۵ درصد اطمینان این اشکالات را با ویژگیهای فردی، اجتماعی و اقتصادی فرد مرتبط دانست؛ زیرا در تمامی آزمونها ($P > 0.05$) است.

- بین متغیرهای ضعف حافظه و سابقه خدمت رابطه معنادار وجود دارد، یعنی ۱۰۰ درصد افرادی که بیشتر از ۳۰ سال سابقه خدمت دارند، کمتر دچار ضعف حافظه می‌باشند ولی افرادی که ۳۰ سال و زیر ۳۰ سال سابقه دارند، بیشتر دچار ضعف حافظه می‌شوند ($P < 0.05$). بین این متغیر و سایر متغیرها هیچ رابطه معناداری وجود ندارد.

- بین متغیر احساس انزوای فردی و ویژگیهای فردی، اجتماعی و اقتصادی که قبلاً آورده شده است، رابطه وجود ندارد ($P < 0.05$). انسان به طور کلی در سنین کهولت به علت ناتوانی و اینکه همچون گذشته نمی‌تواند بین دوستان ظاهر شود و فعالیت کند، کم‌کم منزوی می‌شود.

- متغیر احساس بعد از بازنشستگی مثل احساس سربلندی، غم، پوچی، بیهودگی، فراغت خاطر، شادی فرد بازنشسته با ویژگیهای فردی، اجتماعی و اقتصادی رابطه ندارد ($P > 0.05$) و اینکه فرد بازنشسته دچار چنین احساساتی می‌شود ممکن است بستگی به شرایط خانوادگی یا روحی - روانی شخص داشته باشد. ولی به هر حال در نمونه مورد بررسی مردان بیشتر از زنان احساس غم می‌کنند و کمتر احساس فراغت دارند. کسانی که دارای حقوق دریافتی بالایی می‌باشند، بیشتر احساس سربلندی و کمتر احساس پوچی و بیهودگی می‌کنند. کسانی که تازه بازنشسته شده‌اند، کمتر احساس غرور و سربلندی و کمتر احساس شادی می‌کنند.

- مطالعه نسبت بین مدت بیماری فرد بازنشسته با ویژگیهای فردی، اجتماعی و اقتصادی او نشان می‌دهد که بیشتر این افراد در سالهای اخیر بیمار شده‌اند؛ یعنی تعداد افرادی که از پنج سال پیش به بیماری خاصی مبتلا شده باشند، نسبت به بقیه بیشتر بوده‌اند؛ اما با ویژگیهای فردی، اجتماعی و اقتصادی فرد در مدت بیماری فرد تأثیری ندارد و بین متغیر مدت بیماری و سایر متغیرها رابطه وجود ندارد.



- بین متغیر علت اشتغال دوباره با متغیر وضعیت تأهل رابطه وجود دارد. یعنی کسانی که متأهل می‌باشند بیشتر به علت علاقه به کار، دنبال شغل دوم هستند تا افراد مجرد ($P < 0.05$) و بین این دو متغیر رابطه وجود دارد. همچنین بین متغیر علت اشتغال دوباره با متغیر تعداد ساعات اشتغال رابطه وجود دارد، یعنی افرادی که در درجه اول مشکلات مالی و در درجه دوم علاقه به کار دارند، بیشتر از دیگران به اشتغال دوباره روی می‌آورند، اما بین این متغیر و سایر متغیرها رابطه وجود ندارد.

- متغیر میزان رجوع به خاطرات گذشته با متغیر تأمین مخارج به وسیله دیگران رابطه دارد. یعنی وجود یا عدم تأمین مخارج به وسیله دیگران در خانواده با میزان «به فکر فرورفتن» و «به گذشته فکر کردن» رابطه دارد، افرادی که خودشان تنها تأمین کننده مخارج خانواده می‌باشند، بیشتر به گذشته فکر می‌کنند ($P < 0.05$).

میزان درآمد ماهیانه شغل دوم نیز با میزان تفکر گذشته‌ها رابطه دارد؛ یعنی هر چه درآمد افراد بیشتر است، فکر به زمان گذشته نیز بیشتر است. برای مثال (۶۰٪) افرادی که بالای ۲۲۱ هزار تومان درآمد دارند، بیشتر به گذشته می‌اندیشند ($P < 0.05$). این متغیر با سایر ویژگیهای فردی، اجتماعی و اقتصادی هیچ رابطه و نسبتی ندارد.

۱- درآمد غیر مکفی، اشتغال دوباره به کارهای جنبی، نداشتن مسکن مناسب، عدم تطابق مخارج با درآمد، از مهمترین مشکلات اقتصادی بازنشستگان است، به طوری که ۷۳/۰۲ درصد از افراد بازنشسته پس از بازنشستگی مجدداً به کارهای جنبی مشغول شده‌اند. میزان حقوق اشتغالهای جنبی آنها اکثراً کمتر از ۱۲۰ هزار تومان و فقط حدود ۳۰ درصد تا ۲۲۰ هزار تومان است. بنابراین اکثراً به دلیل مشکلات مالی به کار دوم روی آورده‌اند و این خود دلیلی بر این مسأله است که به احتمال زیاد شغل دوم مورد علاقه آنها نبوده و احتمالاً به طور عمد جزء مشاغل جنبی و حاشیه‌ای تلقی می‌شوند.

۲- حدود ۲۵ درصد از اساتید بازنشسته، مسکن شخصی ندارند و این مسأله می‌تواند زمینه بروز بسیاری از مشکلات جانبی را فراهم سازد.

۳- بازنشستگان عضو هیأت علمی از کمترین تسهیلات رفاهی و تفریحی برخوردارند که می‌تواند زمینه‌ساز بسیاری از مشکلات روحی و روانی شود.

۴- حدود ۳۰ درصد از افراد بازنشسته، بخشی از مخارج زندگی خود را به وسیله بستگان و فرزندان آنها تأمین می‌شود.

۵- حدود ۷۰ درصد در حداکثر ۵ سال پیش از بازنشستگی بیمار شده‌اند.

- ۶- ۳۳/۵ درصد حوصله شرکت در میهمانیها را ندارند.
- ۷- ۲۷ درصد از آنها اکثراً به گذشته فکر می‌کنند.
- ۸- ۳۴/۹ درصد گاهی حسرت گذشته را می‌خورند.
- ۹- بیش از ۲۰ درصد از اعضای هیأت علمی بازنشسته دانشگاه تهران احساس غم و پوچی و بیهودگی می‌کنند.
- ۱۰- حدود ۲۲ درصد از آنها در روابط خانوادگی دچار مشکل می‌باشند.
- ۱۱- حدود ۴۰ درصد از جامعه مطالعه شده نگران آینده می‌باشند.
- ۱۲- حدود ۱۸ درصد احساس تنهایی و انزوا می‌کنند.
- ۱۳- حدود ۱۷ درصد احساس ناامیدی دارند.
- ۱۴- کمتر از ۱۰ درصد احساس بی‌هدفی دارند.
- ۱۵- حدود ۳۰ درصد جامعه مطالعه شده خواب راحتی ندارند.
- ۱۶- حدود ۵ درصد احساس حقارت دارند.
- ۱۷- حدود ۱۵ درصد احساس تنهایی و بی‌پشت و پناهی دارند.
- ۱۸- حدود ۱۷ درصد تحمل هیچ‌گونه انتقادی ندارند.
- ۱۹- حدود ۱۹ درصد دچار ضعف حافظه می‌باشند.
- ۲۰- حدود ۱۷ درصد قدرت تمرکز ندارند.
- ۲۱- حدود ۱۲ درصد در ارتباط اجتماعی دچار مشکل شده‌اند.
- ۲۲- ۳۴ درصد دچار دردهای جسمانی شده‌اند (جدول ۱).
- ۲۳- حقوقهای دریافتی اکثراً کمتر از خط فقر است و مخارج آنها بیشتر از درآمد آنهاست (جدولهای ۷، ۸ و ۹)
- ۲۴- بررسی تأثیر زندگی ۳۴/۲ درصد از آنها بیش از ۲۰ ساعت در هفته کار می‌کنند.
- ۲۵- رفتار خانواده با ۳۷/۵ درصد از آنها و رفتار همکاران با ۳۴/۵ درصد از آنها با بی‌اعتنایی همراه است (جدول ۵).

۷- نتیجه‌گیری

این مطالعه به‌طور خلاصه نشان می‌دهد که غیرفعال شدن افراد بازنشسته باعث بروز مشکلات روحی متعدد از جمله اشکال در روابط خانوادگی، نگرانی از آینده، منزوی شدن، احساس



ناامیدی، احساس بی‌مصرفی، اشکال در خواب، احساس تنهایی، ضعف حافظه، اشکال در روابط جمعی و تشدید دردهای جسمانی می‌شود و این مسأله بسیار طبیعی است؛ زیرا غیرفعال کردن یک فرد سبب آسیب‌پذیری او می‌شود. از لحاظ اجتماعی نیز برخوردهای اجتماعی، افراد کهنسال را منزوی می‌کند و سبب از دست دادن آنها می‌شود؛ هر چند این افراد کمتر از قیود رها شوند، خوشبخت‌تر باقی می‌مانند. دور شدن یکباره افراد بازنشسته از محیط کار باعث ایجاد عدم تعادل و بحران در وضعیت افراد بازنشسته شده است. منزلت اجتماعی فرد بازنشسته در خانواده دچار دگرگونی می‌شود و معمولاً فرزندان مطیع والدینی می‌باشند که هنوز نقش فعال اجتماعی دارند. همچنین منزلت اجتماعی فرد بازنشسته در نزد افراد جامعه نیز بسیار پایینتر از زمانی است که مشغول کار بوده‌اند و معمولاً در مشاغلی که از لحاظ منزلت اجتماعی کمتر از مشاغلی است که داشته‌اند، مشغول به کار می‌شوند. مهمتر از همه اینکه نگرش فرد نسبت به برخورد موقعیت فعلی خود نیز دگرگون می‌شود و در این نگرش بازنشستگی به معنای از دست دادن کار، فعالیت و بیکار شدن است. نظمی نیز که به رابطه کار و شغل در زندگی پیدا می‌شود، پس از بازنشستگی به هم می‌خورد و فرد احساس می‌کند که تمامی تجربیات شخص نادیده گرفته می‌شود، پس از بازنشستگی به هم می‌خورد و حاصل این نگرش چیزی نیست جز کاهش شدید اعتماد به نفس و بروز افسردگی. لذا می‌توان گفت که کمتر از ده درصد از جامعه مطالعه شده، بعد از بازنشستگی احساس شادی و خوشحالی دارند.

از لحاظ اقتصادی نیز درآمد فرد بازنشسته کاهش پیدا می‌کند و به طور اجبار درصد قابل توجهی به مشاغل جنبی روی می‌آورند که اغلب متناسب با شأن و منزلت آنها نیست و نزدیک به یک چهارم آنها بدون مسکن شخصی می‌باشند. به هر حال باید پذیرفته شود که بازنشستگی به شکل کنونی دارای پیامدهای منفی فراوانی است که اشاره شد و البته جنبه‌های مثبتی نیز دارد از جمله:

۱- گروهی از افراد جامعه که سالها در خدمت جامعه بوده‌اند، بازار کار را ترک می‌کنند و جای خود را به جوانان می‌دهند که سرشار از نیرو، انرژی، توان و اطلاعات جدید (و البته کم تجربه) می‌باشند.

۲- افرادی که حدود ۳۰ سال خدمت کرده‌اند، قطعاً انرژی و توان گذشته را ندارند و فرصت پیدا می‌کنند در سایه قانون بازنشستگی، سالهای پایانی عمر خود را در آرامش، فارغ از روزمرگیها به کارهایی مشغول باشند که همیشه آرزوی انجام آنها را در ذهن خود پرورانده بودند.

اما بازنشستگی در وضعیت فعلی لزوماً به معنی در سایه نشستن و راحت بودن نیست بلکه به معنی کاهش درآمد، منزلت و اعتباری است که طی سالها کسب شده است. با وقوع بازنشستگی تمام تعادل‌های به دست آمده تا حدی به هم می‌خورد و مدتی زمان لازم است تا دوباره فرد با شرایط جدید سازگار شود و معمولاً پیامدهای منفی در دوره انتقالی روی می‌دهد. همان‌طور که این تحقیق نشان می‌دهد، اکثر پیامدهای منفی بلافاصله پس از بازنشستگی روی داده است؛ یعنی پیامدهای منفی در بین کسانی که درآمد جانبی دارند، کمتر است و بیماریهای روحی و جسمی معمولاً بلافاصله پس از بازنشستگی به آنها رو می‌آورد. معمولاً مردان بیشتر از زنان و افراد مجرد بیشتر از افراد متأهل و اساتیدی که دارای مراتب علمی پایینتری بوده‌اند، بیشتر دچار این مشکلات شده‌اند.

برای کاهش این مشکلات پیشنهاد می‌شود تا برای بازنشستگی یک دوره انتقالی در نظر گرفته شود. هر حادثه‌ای که یکبار اتفاق افتد، در انسان فشار روحی و روانی ایجاد می‌کند، بازنشستگی یکبار نیز می‌تواند باعث تشدید نگرانیها و ایجاد عدم تعادل شود؛ زیرا فرد برای پذیرش نقش جدید آمادگی پیدا نکرده است و به یکباره با حالتی مثل سرگردانی و نگرانی از آینده روبه‌رو خواهد شد. راهکار کاهش پیامدهای منفی، کاهش تدریجی از ساعاتی کار است. با این کار به فرد فرصت داده می‌شود تا اوقات بیکاری بیشتری داشته باشد و بتواند بتدریج برای دوره پس از بازنشستگی خود به گونه‌ای برنامه‌ریزی کند و یکباره با بیکاری و خانه‌نشینی روبه‌رو نشود. بدیهی است عدم فعالیت زمینه‌ساز مشکلات مذکور است. اگر به افراد فرصت داده شود تا فعالیت‌های خود را تعدیل کنند، در واقع به آنها کمک شده است تا بتدریج موقعیت خود را تغییر دهند و پس از بازنشستگی، بهتر با وضعیت به‌وجود آمده سازگار شوند. بر این اساس در مورد بازنشستگی اعضای هیأت علمی پیشنهاد می‌شود، فرایند بازنشستگی به صورت تدریجی صورت گیرد و به عنوان مثال ساعت تدریس موظف یک عضو هیأت علمی با ۲۵ سال سابقه یک ساعت کاهش پیدا کند و سال بعد، دو ساعت تا اینکه سال سی‌ام فقط ۴ تا ۵ ساعت موظف به تدریس باشند، همچنین می‌توان پس از بازنشستگی همین تعداد ساعاتی تدریس را برای آنها در نظر گرفت تا موقعی که خود دیگر مایل نباشند. به این ترتیب بازنشستگی یکباره به فرایند تدریجی تبدیل خواهد شد.

پیشنهاد دوم این است که در شغل‌های مدیریتی از نیروهای جوان در کنار با تجربه‌ها استفاده شود؛ این باعث می‌شود نیروهای جوان تجربه پیشکسوتان را بیاموزند و افراد با

تجربه فقط نظارت داشته باشند. با این روش، یعنی کاهش ساعتهای کار و ساعتهای حضور، افراد مسن هم برای بازنشستگی آماده می‌شوند و نیروی جوان هم ارزش پیشکسوتان را درک می‌کنند و افراد مسن هم متوجه می‌شوند که همیشه و در هر سن مفید و کارآمد می‌باشند. در واقع می‌توان از افراد درس‌بازن‌شستگی و پس از آن به عنوان مشاور و استاد راهنما استفاده کرد و علاوه بر احساس مفید بودن، نیازهای مالی آنها هم تأمین خواهد شد؛ حتی می‌توان طبق قانون دانشکده‌ها را موظف کرد تا برای افراد بازنشسته چند ساعت تدریس پیش‌بینی کنند و یا طرح تحقیقاتی مصوبی را ایجاد کنند.

پیشنهاد سوم این است که باید به امور مالی بازنشستگان رسیدگی کرد. کاهش شدید درآمد و نابرابری در میزان دخل و خرج و بالا بودن هزینه زندگی از مشکلات اقتصادی این قشر است. در اثر کاهش درآمد منزلت اجتماعی کاهش پیدا می‌کند و وضعیت مالی خانواده متزلزل می‌شود. راه مناسب این است که حقوق بازنشستگان حداقل به اندازه تورم سالیانه جبران شود.

پیشنهاد دیگر این است که مکانهای تفریحی و ورزشی برای بازنشستگان فراهم شود؛ زیرا ورزش و تفریح در روحیه هر انسانی تأثیر شگرف بر جای می‌گذارد و باعث احساس اعتماد به نفس و توانمندی می‌شود. با ورزش و تفریح می‌توان شرایط روحی و جسمی بازنشستگان را مساعدتر کرد. توسعه اوقات فراغت، ارتقای بهداشت روانی، تقویت روابط اجتماعی با تفریح و ورزش ممکن می‌شود.

کمک دیگری که دانشگاه می‌تواند برای بازنشستگان خود انجام دهد این است که بر اساس یک برنامه مرتب (چند بار در طول سال) آنها را جمع کرده و برنامه‌های آموزشی و سمینارهای پژوهشی برای آنها ترتیب دهد. همچنین در این سمینارها می‌تواند اطلاعات مشاوره‌ای لازم جهت کمک به بهبود وضعیت روانی، توجه به تغییرات روحی، روش زندگی و خصوصاً راههای تقویت روابط خانوادگی را در اختیار آنها بگذارد.

به هر حال باید به یاد داشت که جامعه از لحاظ حقوقی و اخلاقی در قبال کسانی که سالهای درازی از عمر خود را به علم و دانش خدمت کرده‌اند، مسئولیت دارد. کم توجهی به این قشر و همه کسانی که بازنشسته شده‌اند و در یک کلام وضعیت نامطلوب آنها باعث نگرانی و عدم اطمینان کارکنان و اساتید فعلی نسبت به آینده می‌شود و کاهش بهره‌وری آنها را به دنبال خواهد داشت.

۸- منابع

- [۱] صفرعلی، علی؛ «طرح ایجاد بیمه‌های تکمیلی بازنشستگی برای اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های سراسر کشور»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.
- [۲] اردبیلی، یوسف؛ بازنشستگی (شناخت مسائل و مشکلات و طریق مشاوره با آنان)؛ انتشارات کویر تهران، چ ۱، ۱۳۷۹.
- [۳] سلطانی، ایرج و عباس روحانی، «راهکارهای غنی‌سازی فرایند روانی و اجتماعی بازنشستگی»، نشریه مدیریت دولتی، ش ۵۱، سال ۱۳۸۰.
- [۴] باقریان، اکبر؛ «جنبه‌های عاطفی، روانی و اجتماعی بازنشستگان در شرایط موجود و شیوه بهبود و ارتقا آن»، مجموعه مقالات اولین همایش بازنشستگان کشوری، سازمان بازنشستگی کشوری؛ ۱۳۷۷.
- [۵] موسایی، میثم؛ «بررسی مشکلات اجتماعی و اقتصادی اعضای هیأت علمی بازنشسته»، نامه علوم اجتماعی دانشگاه تهران؛ ۱۳۸۳.
- [۶] غفاری مرند، مژگان؛ «بازنشستگی و نگرش خانواده و جامعه نسبت به آن»، نشریه زن روز، ش ۱۸۰، ۱۳۸۱.
- [۷] صادقی، محمدرضا و همکاران؛ «تأثیر وضعیت فشار روانی و حمایت اجتماعی در افسردگی سالمندان» پژوهش‌های روان‌شناختی، دوره ۵، ش ۳ و ۴.
- [۸] کریمی، حمیدرضا؛ «بررسی مشکلات فرهنگی بازنشسته استان مرکزی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
- [9] Brown, Robert & A and Greenbery Terald; Behavior in Organization, Allyn and Bacon, 1990.
- [10] Gilbson, Ivancevich & Donnelly; Organization, Irwin, 1990.
- [11] Santrock, john; life – Span Development; Brown / Bench Mark Publishers, 1997.
- [12] Schuler, Randaltand Vadevon & Andrew, H. the black Well Encyclopedic Dictionary of Organizational Behavior, Blckwell Business, 1995.
- [13] Vechio, Robert; Organizational Behavior, Dryden Press International Edition, 1991.

- [۱۴] شیخی، محمدتقی؛ «پدیده رو به رشد سالمندی در آسیا، پژوهش مقایسه‌ای از دیدگاه جامعه‌شناسی»، مجموعه مقالات برتر «موضوع بازنشستگی» چهارمین جشنواره شهید رجایی؛ ناشر: سازمان بازنشستگی کشوری، چ ۱، ۱۳۸۱.
- [۱۵] حسینی‌کازرونی، سید احمد؛ «بررسی عملکرد اقتصادی صندوقهای بازنشستگی و پیشنهاد سیاستگذاریهای برتر اقتصادی برای آنها»، مجموعه مقالات برتر «موضوع بازنشستگی» چهارمین جشنواره شهید رجایی؛ ناشر: سازمان بازنشستگی کشوری، چ ۱، ۱۳۸۱.
- [۱۶] اسلامی، نورالدین؛ «بررسی آثار برنامه‌های بازنشستگی پیش از موعد بر صندوقهای بازنشستگی، اشتغال و توسعه اجتماعی»، مجموعه مقالات برتر موضوع بازنشستگی، چهارمین جشنواره شهید رضایی؛ ناشر: سازمان بازنشستگی کشوری، چ ۱، ۱۳۸۱.
- [۱۷] عابدینی، انصار علی؛ «وضعیت رفاهی و فرهنگی بازنشستگان و برنامه سوم توسعه کشور»، مجموعه مقالات برتر موضوع بازنشستگی، چهارمین جشنواره شهید رجایی؛ ناشر: سازمان بازنشستگی، ۱۳۸۱.
- [۱۸] افتخاری، اصغر؛ «روش بهره‌گیری از دانش، تجربه بازنشستگان در سازمانهای اجرایی»، مجموعه مقالات برتر موضوع بازنشستگی، چهارمین جشنواره شهید رجایی، ناشر: سازمان بازنشستگی، ۱۳۸۱.
- [۱۹] شریفی، فریده؛ «بررسی راههای برون رفت مشکلات و سیاستگذاری برای بهبود وضعیت بازنشستگان»، مجموعه مقالات برتر موضوع بازنشستگی چهارمین جشنواره شهید رجایی؛ ناشر: سازمان بازنشستگی، ۱۳۸۱.
- [۲۰] اکوی محصل، شهلا؛ «بررسی تنگناها و دشواری‌های معیشتی بازنشستگان»، مجموعه مقالات اولین همایش بازنشستگان کشوری، جشنواره شهید رجایی در سال ۱۳۷۷؛ ناشر: سازمان بازنشستگی کشوری، انتشارات سوره، چ ۱، ۱۳۷۸.
- [۲۱] صارم صفاری، جعفر؛ «صندوق بازنشستگی کشوری و دلایل عدم خودکفایی آن»، مجموعه مقالات اولین همایش بازنشستگان کشوری، جشنواره شهید رجایی در سال ۱۳۷۷؛ انتشارات سوره، چ ۱، ۱۳۷۸.
- [۲۲] طایفه، شجاع‌الدین؛ «مسائل مادی و اقتصادی بازنشستگان و نیز ارتقای شرایط زیست آنان»، مجموعه مقالات اولین همایش بازنشستگان کشوری، جشنواره شهید رجایی در سال ۱۳۷۷؛ ناشر: سازمان بازنشستگی کشوری، انتشارات سوره، چ ۱، ۱۳۷۸.
- [۲۳] دوگونچی، آنه‌محمد؛ «اصلاح و بهسازی خدمات درمانی بازنشستگان»، مجموعه مقالات

- اولین همایش بازنشستگان کشوری، جشنواره شهید رجایی در سال ۱۳۷۷؛ سازمان بازنشستگی کشوری، انتشارات سوره، چ ۱، ۱۳۷۷.
- [۲۴] رخبخش زمین، محمود؛ «سن بازنشستگی معلمان و عوارض ناشی از آن»، مجموعه مقالات اولین همایش بازنشستگان کشوری، جشنواره شهید رجایی در سال ۱۳۷۷؛ سازمان بازنشستگی کشوری، انتشارات سوره، چ ۱، ۱۳۷۷.
- [۲۵] هایان، نوید؛ «بررسی میزان عزت نفس بازنشستگان آموزش و پرورش»، مجموعه مقالات اولین همایش بازنشستگان کشوری، جشنواره شهید رجایی در سال ۱۳۷۷؛ سازمان بازنشستگی کشوری، انتشارات سوره چ ۱، ۱۳۷۷.
- [۲۶] گلشنی، سید محمود؛ «تنگناها و مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بازنشستگان و راههای اجرایی برون رفت از آن»، مجموعه مقالات سومین همایش بازنشستگان جشنواره شهید رجایی؛ سازمان بازنشستگان کشوری، چ ۱، ۱۳۸۰.
- [۲۷] فروز امیر، «بررسی وضعیت اجتماعی - اقتصادی بازنشستگان گمرگ جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۹»، مجموعه مقالات سومین همایش بازنشستگان جشنواره شهید رجایی؛ سازمان بازنشستگان کشوری، چ ۱، ۱۳۸۰.
- [۲۸] گیدنز آنتونی؛ جامعه شناسی؛ ترجمه منوچهر صبوری؛ تهران: انتشارات نشر نی، ۱۳۷۳.
- [29] Parnes, Herber S; Retirement among American Men; Lexington, Mass: Lexington Books 1985.
- [30] Matthews, Sarah H.; The social world of old women: Management of Self-Identity; Beverly Hills, Ca: Sage, 1979.
- [31] Kart, Gary S.; The social realities of ageing; Boston, Massi Allyn and Bacon, 1985.

